کرونا در سیستان و بلوچستان چگونه قربانی هایش را انتخاب می کند؟

کرونایی که جدی نمی‌گیرند

مریم طالشی
گزارش نویس

گفتند کرونا آنطرف‌ها نمی‌رود؛ هم راهش دور است، هم هوایش گرم. این شد که مسافرها راه چابهار را در پیش گرفتند. فیلم‌های ترافیک ورودی شهر در روزهای قبل از نوروز، گواه خوبی است برای این بلبشو. همان وقت بود که کارشناسان بهداشت و درمان و همچنین فعالان اجتماعی نسبت به شیوع بیماری نگران شدند و هشدار دادند. البته تنها ورود مسافران نبود که بیم شیوع ویروس را در سیستان و بلوچستان ایجاد می‌کرد، مسائل فرهنگی و نبود زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی دراین استان، عاملی قوی‌تر به شمار می‌رفت. در روزهای گذشته اعلام شد که سیستان و بلوچستان از لحاظ شیوع کووید ۱۹ در وضعیت سفید است. همین مسأله نگرانی‌ها را بیشتر کرده است.

نصیر محمدزاده اهل نیکشهر که درگیر بیماری مادرش بوده می‌گوید: «وضعیت اینجا خیلی پیچیده است، هم به خاطر بافت فرهنگی هم به خاطر اطلاع‌رسانی ضعیف، علوم پزشکی حرف اول را نمی‌زند و همین هم ما را می‌ترساند. مادرم در یک روستا به عروسی دعوت شده بود. آنجا کسی علائم بیماری را داشته و با مادرم روبوسی کرده. مادرم بعد از چند روز علائم را نشان داد. رفتیم بیمارستان و فقط با یک تب سنج دمای بدنش را اندازه گرفتند و گفتند مشکلی ندارد و برود خانه. من قانع نشدم و مادرم را بردم مطب. آنجا چند قرص آنتی‌بیوتیک تجویز کردند و دوباره او را آوردیم خانه.

چند روز بعد حالش بدتر شد و به بیمارستان مراجعه کردیم و آنجا اسکن ریه گرفتند و گفتند کرونایش مثبت است و بستری‌اش کردند. مادرم ۱۳روز بیمارستان بستری بود والان باید ۱۴ روز دوره نقاهت را بگذراند. بعد از آن از خانه بهداشت یک بار آمدند خانه برای ضدعفونی و چند بار تماس گرفتند. دایی‌ام هم مشکوک بود که فقط یکی دو بار تلفنی پیگیری کردند. البته چون ما اولین موارد بودیم، بیشتر پیگیری می‌کردند. شرایط اینجا طوری است که مردم بیماری را انگ اجتماعی می‌دانند و خیلی‌ها به همین خاطر آن را مخفی می‌کنند یا سعی می‌کنند به خودشان و دیگران بقبولانند که بیماری‌شان کرونا نبوده. بعد از همان عروسی که مادرم رفته بود، بیشتر از ۵۰ نفر علائم پیدا کردند ولی فقط مادر من به بیمارستان مراجعه کرد. ما نگرانیم با این شرایط، مردم مسأله را ساده‌تر بگیرند. با اینکه اینجا همه‌گیری نداریم اما به هرحال مبتلاها زیادند. مردم اصلاً جدی نگرفته‌اند و بیرونند و فقط مغازه‌ها به خاطر فشار اصناف بسته است.

شرایط بیمارستان‌ها هم اصلاً خوب نیست. با اینکه تعداد بیماران بستری شده کم است اما پرستاران وحشت کرده‌اند. مشکل اصلی اما این است که مردم مراجعه نمی‌کنند یا آنقدر دیر مراجعه می‌کنند که کاری از کسی ساخته نیست. خودم یک نفر را در بیمارستان دیدم که دیر مراجعه کرده بود و بعد از چند ساعت فوت کرد چون خیلی وضعیتش وخیم بود.

مسأله دیگر این است که هنوز یک نقاهتگاه در منطقه نداریم چون قرار بود مادرم را به نقاهتگاه بفرستند و گفتند بیمار ۱۴ روز دیگر در بیمارستان بماند برای گذراندن نقاهت که ما خودمان مادرم را به خانه آوردیم تا دوباره در محیط آلوده نماند.»

عبید ملک رئیسی، معلم و فعال اجتماعی اهل ایرانشهر هم در این باره اینطور می‌گوید: «مسأله اصلی این است که مردم هنوز این بیماری را جدی نگرفته‌اند. بیشتر مردم استان ما کارهایشان روزمزد و روزمره است و به خاطر مخارج زندگی مجبورند هر روز بروند بیرون و کار کنند. یکی کارگری می‌کند، یکی دستفروشی و یکی رانندگی. بازار روزهم به ظاهر تعطیل شده اما مغازه‌دار جلوی مغازه ایستاده و اگرمشتری بیاید، یک لحظه در را باز می‌کند و جنس را تحویل می‌دهد. بعضی مغازه‌دارها هم وسایل را در ماشین‌شان گذاشته‌اند و به صورت دستفروشی می‌فروشند.»

او به نکته دیگری اشاره می‌کند: «دیروز با یکی از پرسنل بیمارستان ایرانشهر حرف می‌زدم که می‌گفت امکان‌شان برای تست‌گیری روزانه محدود است و روزی تنها ۳۰ تست می‌توانند بگیرند. خود ایرانشهر از لحاظ تجهیزات بد نیست اما جایی مثل نیکشهر از لحاظ امکانات بهداشتی و درمانی ضعیف است. استان ما بیش از ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر جمعیت دارد و بیش از نیمی از این جمعیت روستانشین هستند که دسترسی به امکانات ندارند، خصوصاً در جنوب استان. می‌گویند دست‌ها را بشویید! اصلاً آبی وجود دارد که دست‌ها را بشویند؟! مسأله دیگراین است که خیلی‌ها در استان ما بیماری را جدی نگرفته‌اند و فکر می‌کنند کرونا بیماری ساده‌ای است. خیلی‌ها که مریض می‌شوند، خصوصاً در روستاها به دلیل اینکه دسترسی به مراکز درمانی ندارند اصلاً مراجعه نمی‌کنند و خوددرمانی می‌کنند حالا یا با داروهای گیاهی یا داروهایی که در دسترس دارند.

رئیس علوم پزشکی زاهدان اعلام کرده که بحران اساسی ما طی دو هفته آینده است چون در ۱۰ روز گذشته تعداد مبتلایان به کرونا دوبرابر شده. استاندارهم گفته وضعیت بحرانی شده و حتی آقای شهریاری نماینده زاهدان درباره نبود تجهیزات و تخت بیمارستانی هشدار داده طوری که بیمارستان بوعلی زاهدان دیگر تخت خالی ندارد. همچنین عروسی‌ها هم در استان ما در حال برگزاری است و اغلب در خانه‌ها عروسی می‌گیرند.

> شرایط اینجا طوری است که مردم بیماری را انگ اجتماعی می دانند و خیلی ها به همین خاطر مخفی می‌کنند یا سعی می‌کنند به خودشان و دیگران بقبولانند که بیماریشان کرونا نبوده. استان ما بیش از ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر جمعیت دارد و بیش از نیمی از این جمعیت روستانشین هستند که دسترسی به امکانات ندارند، خصوصاً در جنوب استان. می‌گویند دست‌ها را بشویید، اصلاً آبی وجود دارد که دست‌ها را بشویند؟

با شروع ماه رمضان هم اپیدمی وحشتناک می‌شود چون این ماه برای مردم ما ویژه‌تر است و کسانی که الان در خانه مانده‌اند بیرون می‌آیند برای خرید و شرایط وخیم‌تر می‌شود.»

نوید برهان زهی از دیگر فعالان مدنی سیستان و بلوچستان هم در این رابطه اینطور می‌گوید: «وضعیت اینجا خوب نیست. خود مسئولان استانی هم همین را می‌گویند. رئیس علوم پزشکی زاهدان هم اعلام کرده که بیماران حاد تنفسی همان مبتلایان به کرونا هستند.

موج اصلی شیوع کرونا تازه در استان شروع شده و دانشگاه علوم پزشکی زاهدان اعلام کرده که برخلاف خیلی استان‌ها که شیوع کاهش پیدا کرده، در سیستان و بلوچستان شاهد این وضعیت نیستیم. مردمی که به شهرهای دیگر رفته بودند، دارند برمی‌گردند. الان یک پزشک در نیکشهر تستش مثبت شده درحالی که ۱۰ روز پیش در تهران بوده و این مدت هم مشغول کار بوده و ممکن است خیلی‌ها را مبتلا کرده باشد. بعضی‌ها اصلاً دیگر جدی نگرفتند و حالا هم زندگی را به روال سابق ادامه می‌دهند. برگزاری نماز جماعت هم که همچنان حتی در اوج شیوع کرونا در مسجد مکی زاهدان برگزار می‌شد. ما امکانات درمانی نداریم حتی در خود چابهار شرایط خوب نیست و ۷۰۰ هزار نفر را نهایت پوشش می‌دهد. در خود زاهدان که بیشترین آمار کرونا را دارد، ما محله‌های حاشیه‌ای مثل شیرآباد را داریم که کمترین امکانات بهداشتی هم ندارند. به نظرم با توجه به شرایط استان باید فاصله‌گذاری اجتماعی اینجا بیشتر رعایت شود.»

جلوی انتقال بیماری را گرفت. درباره آن طرح یک میلیون تومانی هم باید بگویم که باتوجه به اینکه نیمی از جمعیت استان روستانشین هستند و خیلی‌ها دسترسی به اینترنت ندارند،عملاً ثبت‌نام امکانپذیر نیست.»

باتوجه به تمام شرایط خاص سیستان و بلوچستان به نظر می‌رسد باید علاوه بر افزایش امکانات بهداشتی و درمانی، در رابطه با مسائل فرهنگی هم آگاه‌سازی مضاعفی صورت گیرد در شرایطی که کم برخوردار بودن، در کنار عاملی مثل انگ اجتماعی دانستن کرونا، هر روز قربانی‌های بیشتری می‌گیرد.

ایرنا

روایتی از دنیایی که با کرونا متحول شد؛ آیا زیرساخت‌ها و حتی خودمان آماده آموزش مجازی هستیم؟

از پای تخته‌سیاه تا پشت مانیتور

نادی صبوری

صبح که از راه می‌رسد ۳ میلیون نفر در حالی از خواب بیدار می‌شوند که کلاس درسی ندارند تا سوار مترو و اتوبوس و تاکسی بشوند و در آن شرکت کنند، دانشجوهایی که کرونا ناگهان سبک زندگیشان را از بیخ عوض کرده است، ۱۰۰ هزار استاد دانشگاه هم در این قصه و در دور ماندن از کلاس و تخته و میز و نیمکت سهیم هستند. این جمعیت این روزها چه می‌کنند؟

همه ما برای انجام کارهایمان ابزارهایی داریم که سخت است بخواهیم تغییرشان بدهیم، مثلاً برای من به عنوان کسی که کارش با نوشتن سر و کار دارد حتماً سخت است که یک روز لپ‌تاپ و صفحه کلید از من گرفته شود و مثلاً قرار باشد با نخ و سوزن کلماتم را بنویسم؛ پاندمی کرونا اما ابزار کار خیلی‌ها را تغییر داده و شاید کسانی که با «آموزش» سر و کار دارند از نخستین گروه‌ها بوده‌اند.

به صورت سنتی تخته و گچ و ماژیک و تخته پاک‌کن، نیمکت و دفتر و کتاب، مهم‌ترین ابزاری است که در همه‌جای دنیا برای آموزش وجود دارد و از آن مهم‌تر هم مخاطبی است که زنده و حی و حاضر یا روبه‌روی شما پشت میز و نیمکت نشسته یا پیش روی شما کنار تخته‌های بزرگ. ناگهان ولی میز و نیمکت‌ها کنار می‌روند، تخته‌های بزرگ پشت درهای بسته کلاس می‌مانند و هرکس در اتاق احتمالاً کوچک خودش از یک دریچه چند اینچی قرار است آموزش را دنبال کند.

تقریباً از اول اسفند، آموزش مجازی در سطح گسترده‌ای در ایران کلید خورد. هرچند بررسی‌ها نشان می‌دهد پایه‌های اولیه آموزش مجازی تقریباً اوایل دهه ۸۰ و با تأسیس مرکز آموزش الکترونیک دانشگاه تهران در ایران گذاشته شده بود اما هیچ وقت از ارائه چند درس خاص فراتر نرفته و محدود مانده بود. از همان اوایل اسفند سال قبل ستادی به اسم ستاد سلامت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری زیر نظر وزیر تشکیل شد که وظیفه اصلی‌اش بررسی وضعیت آموزش مجازی بود. طبق آمار مؤسسه پژوهش وبرنامه‌ریزی آموزش عالی ایران که البته آخرین به روز رسانی آن مربوط به سال تحصیلی ۹۷-۹۶ است ایران بیشتر از ۳ میلیون و ۶۱۶ هزار دانشجو دارد، اگر دانشجوهای تحصیلات تکمیلی که حدود ۲۰ درصد این جمعیت هستند را با فرض اینکه بخش کوچکتری از فرآیند تحصیلشان به حضور در یک کلاس درس گره خورده، از این جمعیت خارج کنیم، چیزی نزدیک به ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر در این روزها باید کلاس‌های روتین درسشان را از طریق اینترنت دنبال کنند. از طرف دیگر هم حدود ۹۰هزار نفر در قالب‌های مختلف از جمله استاد و مربی و مربی استادیار، وظیفه علم‌آموزی به گروه دانشجوها را دارند.

«از بین ۳ درس نظری که در این ترم داشته‌ام از زمان اوج‌گیری کرونا و تعطیل شدن دانشگاه‌ها تاکنون، ویدئوهای آموزشی یکی از درس‌ها به صورت مرتب در سامانه‌ای که مخصوص این کار در دانشگاه وجود دارد بارگذاری شده است، درس دوم تا این لحظه فقط ۱ جلسه به صورت اسکایپی برگزار شده و حدود ۷ جلسه آن برگزار نشده است و درس سوم هم چند دستنوشته از طرف استاد برای آن فرستاده شده است.»

اینها را شیرین که دانشجوی دانشگاه تهران است می‌گوید که این ۳ درس آخرین واحدهای تحصیلی‌اش برای پایان بردن دوره کارشناسی بوده و در حالی که تا دو ماه پیش همه چیز ساده به نظر می‌آمد او حالا بابت آنچه قرار است پیش بیاید نگران است.

از او می‌پرسم این روزها چطور درس می‌خواند و جوابش این است: «من وب سایت سامانه مخصوص را باز می‌کنم و وارد اکانت خودم می‌شوم. آنجا هر درس صفحه مخصوص به خودش را دارد. کلاس‌های ما به صورت آنلاین برگزار نمی‌شود و جلسات به صورت ویدئوهای ذخیره شده در سامانه قرار دارند. در پایان هر فصل تمریناتی هم مشخص می‌شوند که باید انجام بشوند و بعد از طرق مختلف برای تصحیح فرستاده می‌شود.» او ادامه می‌دهد: «اغلب درس‌ها گروه تلگرام دارند که آنجا از طریق ایمیل می‌توانیم اگر سؤالی داشتیم از استادها بپرسیم، سامانه این امکان را دارد که استاد کلاس را در ساعت مقرری برگزار کند اما تاکنون در کلاس‌های ما از آن استفاده نشده است. در این مدت یکی از کلاس‌های درس ما در اسکایپ برگزار شد که بیشترین شباهت را به یک جلسه حضوری کلاس داشت.»

از بین ۳ درسی که این دانشجو در ترم آخر تحصیلی داشته یکی از دروس از اواسط اسفند تاکنون از هیچ طریقی برگزار نشده است.

■ **دانشگاه بدون گاه**

برای درک بهتر اینکه تعطیل شدن دانشگاه چه معنایی برای دانشجوها دارد شاید باید کمی به این فکر کرد که اساساً معنای ساختمان دانشگاه برای دانشجوها چیست؟ در مورد خیلی از دانشجوها آنجا نه فقط محلی برای دایر شدن کلاس درس بلکه محلی برای جمع شدن دور هم و وقت‌گذرانی روزانه و کنار دوستان بودن است. تعداد زیادی از دانشجوها در کتابخانه‌های دانشکده‌هایشان درس می‌خوانند، کنار همکلاسی‌هایی که حالا از هم خیلی دور شدند. علاوه بر اینها بسیاری از دانشجویان برای اینکه موضوعی را متوجه بشوند اتکای شدیدی به شخص استاد دارند. شیرین در این باره می‌گوید: «من خودم شخصاً برای یادگیری همواره بیشتر از استاد به کتاب متکی بودم، تصورم این بود که وظیفه استاد جویدن لقمه نیست و سر کلاس هم اگر سؤالی برایم پیش می‌آمد اغلب مواقع به کتاب رجوع می‌کردم، بعضی از همکلاسی‌هایم اما برای یادگیری به استاد اتکای زیادی داشتند که این روزها از وضعیت راضی نیستند.»

دانشجوهایی که به دنبال فراگیری کرونا ناگهان مجبور به ترک خوابگاه‌ها شدند هم از فاکتورهایی هستند که به پیچیدگی وضعیت فعلی افزوده است. این موضوع چند بعد مختلف دارد، بعد نخست این است که بخشی از دانشجوها ساکن شهرهایی کوچک‌تر از شهر محل دانشگاه‌شان هستند که بعضاً زیرساخت‌های اینترنت در آن شهرها به قدرت شهرهای بزرگ نیست و بعضی از آن‌ها کامپیوتر شخصی ندارند و باید از طریق موبایل در کلاس شرکت کنند. مجموع این مسائل از نظر بعضی نوعی بی‌عدالتی را در سطح بهره‌مندی دانشجوها از کلاس‌های آنلاین ایجاد کرده است. وزارت علوم البته قبلاً در دستورالعمل‌هایش اعلام کرده که دانشجویانی که دسترسی مناسبی به اینترنت نداشته یا به هر دلیل موجه دیگر امکان استفاده از زیرساخت‌های آموزش غیرحضوری را ندارند، اگر شرایط دانشگاه محل سکونتشان مساعد باشند می‌توانند آنجا میهمان بشوند. سازوکاری که البته جزئیاتش مشخص نشده و احتمالاً بسته به دانشگاه مبدأ و مقصد متفاوت است.

یک لایه جلوتر و شاید پیچیده‌تر اما، سبک زندگی متفاوتی است که این دانشجوها در خوابگاه داشتند و حالا در کنار خانواده علاوه بر تلاش برای پیگیری امور درسی‌شان باید تلاش کنند با این وضع جدید هم خود را عادت بدهند، وضعی که می‌تواند از ساعت خواب و خوراک تا تفریحات و بسیاری مسائل دیگر را در خود جای بدهد.

مریم دانشجوی دیگری که در تهران در خوابگاه ساکن بوده و حالا در خانه والدینش سکونت دارد می‌گوید: «خانواده من پرجمعیت هستند و همین فضایی که من برای مطالعه به آن عادت داشتم را به شدت تغییر داده است. ابتدا سعی کردم شب‌ها که سکوت بیشتری است درس‌هایم را بخوانم اما شب‌ها تمرکز کافی ندارم، در ادامه سعی کردم به دفتر کاریکی از اقوامم که خالی است بروم که آن هم به خاطر رفت و آمد کارآمدی چندانی ندارد.»

این تغییرات وجه تقریباً پنهان ماجرا است که بسیاری از دانشجوها نگران هستند در سیاستگذاری‌ها نسبت به وزنه آن توجه کافی نشود.

> استاد زبان دانشکده علوم پزشکی می‌گوید: «سامانه نوید (سامانه‌ای که در دانشگاه علوم پزشکی از آن استفاده می‌شود) پیش از این برای انجام این سطح از آموزش الکترونیک تست نشده بود و در نتیجه با مشکلاتی روبه رو است، مثلاً گاهی در ساعت‌های پیک برگزاری کلاس‌ها از دسترس خارج می‌شود یا مثلاً بعد از قطع شدن اینترنت خانگی ما هنگام ورود دوباره به سامانه با ارور مواجه می‌شویم.»

■ **دنیای استادها**

رها موسوی در دانشکده علوم پزشکی درس زبان تخصصی را برای دانشجویان ارائه می‌کند. او این روزها برای اینکه بتواند کارش را به درستی انجام بدهد کارهایش را اصطلاحاً task base کرده است. خودش در این مورد می‌گوید: «من تسک‌ها را روی سامانه مخصوصی که برای این کار وجود دارد بارگذاری کرده و بعد به دانشجوها مهلت می‌دهم تا آن را انجام بدهند. برخی نکات را به صورت گروهی و برخی نکات را به صورت فردی به هر کدام از آن‌ها گوشزد می‌کنم.»

■ **چالش‌ها**

اما گروه دانشجوها و اساتید هر دو برای اینکه بتوانند این روزها کارشان را به درستی انجام بدهند با مانع‌ها و چالش‌هایی روبه رو هستند. موانع و چالش‌هایی که بخشی از آن به نوعی چالش ذاتی آموزش الکترونیک و بخش دیگر به ضعف زیرساختی برمی‌گردد.

استاد زبان دانشکده علوم پزشکی می‌گوید: «سامانه نوید (سامانه‌ای که در دانشگاه علوم پزشکی از آن استفاده می‌شود) پیش از این برای انجام این سطح از آموزش الکترونیک تست نشده بود و در نتیجه با مشکلاتی روبه رو است، مثلاً گاهی در ساعت‌های پیک برگزاری کلاس‌ها سامانه از دسترس خارج می‌شود یا مثلاً بعد از قطع شدن اینترنت خانگی ما هنگام ورود دوباره به سامانه با ارور مواجه می‌شویم.»

کند بودن سامانه نوید و زمانی که بارگذاری هر کدام از بخش‌ها در آن می‌برد هم از مواردی است که اوضاع را نسبت به قبل متفاوت کرده است، رها موسوی در این باره می‌گوید:« وقتی تجربه کار با نرم‌افزارهای بسیار سریع مانند واتساپ و امثالهم را داریم برای ذهن خیلی دشوار است که این کندی را تاب بیاورد. طراحی تسک‌ها و بارگذاری آن‌ها و چک کردن تکالیف به قدری زمان‌بر است که یک کلاس ۲ ساعته که در دانشگاه داشتیم در حال حاضر برای من حدود ۶ الی ۷ ساعت زمان می‌برد.»

> استاد زبان دانشکده علوم پزشکی می‌گوید: «سامانه‌ای که در دانشگاه علوم پزشکی از آن استفاده می‌شود) پیش از این برای انجام این سطح از آموزش الکترونیک تست نشده بود و در نتیجه با مشکلاتی روبه رو است، مثلاً گاهی سامانه در ساعت‌های پیک برگزاری کلاس‌ها از دسترس خارج می‌شود یا مثلاً بعد از قطع شدن اینترنت خانگی ما هنگام ورود دوباره به سامانه با ارور مواجه می‌شویم.»

از نظر او البته چیزی که باعث می‌شود این گذر زمان از حالت عادی کلافه‌کننده‌تر به نظر برسد این است که معیار و ابزاری برای اینکه اساتید از بابت نتیجه وقتی که می‌گذارند مطمئن باشند چندان وجود ندارد. خودش در توضیح می‌گوید: « بابت نتیجه مطمئن نیستم. در این سیستم فرض بر این گذاشته می‌شود که دانشجو علاقه‌مند و متعهد و مسئولیت‌پذیر است و دقت کافی را دارد. ما همچنان هم ابزارهایی برای بالا بردن سطح اطمینان داریم اما دقت این ابزارها نسبت به کلاس حضوری پایین‌تر است.»

حتماً برایتان پیش آمده که در یک کلاس درس تمرینی را اشتباه حل کنید، احتمالاً استاد اشتباه شما را تصحیح کرده است و همکلاسی‌هایتان هم شانس این را داشته‌اند که از نکاتی که استاد به شما گوشزدکرده استفاده کنند. موسوی می‌گوید اساساً بخش مهمی از فرآیند یادگیری در کلاس‌ها از همین طریق رخ می‌دهد، چیزی که اکنون امکان آن در سامانه الکترونیک فراهم نیست. او می‌گوید: «این به ویژه برای درس‌هایی مانند زبان که گروهی هستند بیشتر صدق می‌کند.»

■ **آدم‌ها چه می‌کنند؟**

افراد مختلفی که در آموزش چه به عنوان استاد چه دانشجو درگیر هستند البته در نوع خودشان تلاش کرده‌اند سهمی در کم کردن تبعات چالش‌ها داشته باشند، استاد زبان دانشگاه علوم پزشکی تهران می‌گوید: «به موازات سامانه یک کانال تلگرام درست کردم و فایل‌های صوتی و بعضاً فایل‌های تصویری تکمیلی را آنجا قرار می‌دهم به این ترتیب امکان بهتری هم برای اینکه دانشجوها در جریان تکالیف همکلاسی‌هایشان قرار بگیرند فراهم می‌شود.»

در نبود تخته به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای آموزشی او گاهی روی تبلتش مواردی را می‌نویسد و از آن فیلمبرداری می‌کند. خودش می‌گوید: «یکی از همکارانم از نرم‌افزاری استفاده می‌کند که اسکرین را ضبط کرده و بعد ارسال می‌کند.»

ابتکاراتی که افراد مختلف در این وضعیت به خرج می‌دهند از دیدگاه استاد دانشکده علوم پزشکی از مزیت‌های این دوره جدید است. خودش می‌گوید: «واقعیت این است که ما در این زمینه آموزش ندیدیم، درست است هر کداممان مهارت‌هایی در استفاده از اینترنت داریم اما مهارت مشخص در این زمینه به صورت جامع آموزش داده نشده و بعضی افراد اصلاً تصوری از آموزش آنلاین ندارند اما با همه این حرف‌ها خلاقیت‌ها وجود دارد. ما یک گروه داریم که در آن همفکری می‌کنیم و هر کس تجربه‌اش را می‌گوید و در این بین خیلی‌ها روش‌های خوبی را پیدا کرده‌اند.» او بر این باور است که در نهایت هر استاد باید با روش‌های مختلف به اصطلاح سر و کله بزند تا دستش بیاید برای آن درس خاص و آن دانشجوهای خاص چه روشی ممکن است بهتر جواب بدهد.

مریم و شیرین هم این روزها سعی می‌کنند از امکان چند بار دیدن ویدئوهای آموزشی استفاده بکنند، شیرین هنگام تماشای ویدئوها آن‌ها را متوقف می‌کند و به جست‌وجو می‌پردازد که سر یک کلاس درس حضوری امکانش وجود ندارد، مریم می‌گوید: «طی این چند روز متوجه شدم اگر یک ویدئو یا متن آموزشی را ابتدا یک بار کامل و بدون اینکه بخواهم روی ابهامات دقیق بشوم مرور کنم و بعد چند روز دوباره به سراغش برم، بسیاری از ابهام‌ها در رجوع دوم برایم برطرف می‌شود.»

فرآیندی که در آموزش آنلاین در حال طی شدن است مثل یک کودک تازه متولد شده است که نیازمند مراقبت است، این طور که به نظر می‌رسد جلساتی که تحت نظر وزیر علوم برای بررسی وضعیت این کودک برگزار می‌شود تاکنون منظم بوده اما اینکه چه شاخص‌ها و معیارهایی برای اطمینان پیدا کردن از وضعیت سلامت این کودک در نظر گرفته می‌شود هنوز مشخص نیست.